

## تحلیل استنادی و هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم میان سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ و ترسیم ساختار علمی این حوزه

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر به تحلیل استنادی و هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ و ترسیم ساختار علمی این حوزه می‌پردازد.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که با استفاده از روش‌های علم‌سنجی و به‌کارگیری برخی از قوانین و روش‌های این قلمرو، مانند قاعده‌های لوتکا و برادفورد و تحلیل استنادی به تحلیل داده‌های بازیابی شده از وبگاه علوم پرداخته‌است. ترسیم نقشه تاریخ‌نگاری با نرم‌افزار هیست‌سایت انجام شده و برای بررسی وضعیت هم‌نویسندگی در حوزه اسلام و علوم قرآنی از نرم‌افزار یو. سی. نت. و بسته مکمل آن، نت‌دراو استفاده شده‌است.

**یافته‌ها:** در این بازه زمانی، ۴۵۳۵ مدرک از نویسندگان این حوزه در پایگاه وب علوم نمایه شده‌است. توزیع فراوانی مشارکت نویسندگان این حوزه از قاعده لوتکا پیروی می‌کند ولی توزیع فراوانی موضوعی مدارک هسته تولید شده توسط نویسندگان این حوزه براساس قانون برادفورد مورد تأیید قرار نگرفت؛ همچنین، این حوزه، میانگین نرخ رشد سالانه معادل ۶/۴ درصد داشته‌است؛ در پایان، ساختار علمی این حوزه برپایه میزان استنادهای محلی و جهانی با استفاده از نرم‌افزار هیست‌سایت ترسیم و تحلیل شد و نتیجه از این حکایت می‌کرد که این حوزه از نه (۹) خوشه موضوعی برپایه استنادهای محلی و جهانی تشکیل شده‌است؛ این حوزه، همچنین از دو مؤلفه هم‌نویسندگی ۲۶ و سیزده‌جزئی تشکیل شده‌است.

**نتیجه‌گیری:** همکاری میان نویسندگان این حوزه، ضعیف است. تحلیل استنادی مدرک‌های مورد بررسی نشان داد که میان تعداد نویسندگان و تعداد استنادهای دریافتی و میزان مشارکت یک نویسنده با تعداد مدرک‌های منتشر شده توسط او، رابطه آماری معنادار مثبت وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** تحلیل استنادی، ترسیم ساختار علم، علم‌سنجی، همکاری علمی، هم‌نویسندگی، علوم قرآنی، علوم اسلامی.

الهه زنگیشه<sup>\*۱</sup>

فرامرز سهیلی<sup>۲</sup>

حمید احمدی<sup>۲</sup>

\*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد واحد همدان

(نویسنده مسئول: Email: ezangishe@gmail.com)

۲. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور کرمانشاه

۳. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۱

پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۳

## مقدمه و بیان مسئله

استنادها یکی از عناصر شاخص نگارش علمی محسوب می‌شوند و نقشی بارز در تولید و نشر اطلاعات دارند. بیان صحیح و دقیق منابع هر مقاله، علاوه بر آنکه امکان دسترسی سریع به اصل مقاله مورد نظر را فراهم می‌کند، نشان‌دهنده اعتبار علمی مجله و نویسندگان مقاله است (حقیقی، ۱۳۸۱: ۲۱۶). همکاری علم را می‌توان بازتاب فعالیت‌ها و رویکردهای جامعه علمی به‌شمار آورد؛ مطالعه و بررسی این مقوله می‌تواند به جامعه‌شناسی علم نیز کمک‌کند (رحیمی و فتاحی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).

یکی از نمودهای بارز همکاری علمی، هم‌نویسندگی است؛ در زمینه هم‌نویسندگی هم می‌توان گفت یک شبکه هم‌نویسندگی، نگاهی از گره‌های مشترک یا ارتباط‌های میان هم‌نویسندگی‌های درون یک جامعه پژوهش است؛ چنین شبکه‌هایی، نگرشی را درون ساختارهای اجتماعی جوامع پژوهشی فراهم و آشکار می‌کنند که کدام نویسندگان همکار در فرایند ارتباطات در شبکه دارای نقش مرکزی بوده، قدرت و تأثیرگذاری بیشتری دارند (سهیلی، عصاره، فرج‌پهلوی، ۱۳۹۲: ۲).

نقشه علمی، بازنمونی فضایی از چگونگی پیوند میان رشته‌ها، حوزه‌ها، متخصصان و مقاله‌های آنها به‌وجود می‌آورد؛ این نقشه‌ها را می‌توان به نقشه‌های جغرافیایی که رابطه‌های سیاسی یا جنبه‌های فیزیکی را روی زمین نشان می‌دهند، تشبیه کرد؛ شبکه استنادی که در قالب این نقشه‌های فضایی نشان داده می‌شود، نموداری جهت‌دار و پیچیده است که رأس‌های آن می‌توانند به ترتیب زمانی، مرتب شوند و خط‌های مرزی موجود در این گراف‌ها رأس‌های قدیمی را به رأس‌های جدید وصل می‌کنند؛ این شبکه، الگوهای ارتباطی و همچنین چگونگی همکاری علمی و روند استنادهای محلی و جهانی پژوهشگران را نشان می‌دهد. نمایش فضایی، درک پژوهشگران را از رابطه‌های مفهومی و پیشرفته تسهیل می‌کند؛ همچنین نگاهی عمیق به وضعیت دانش معاصر را در قلمروهای گوناگون علمی فراهم می‌کند (فتاحی، دانش و سهیلی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). حوزه اسلام و شاخه‌های مرتبط آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان معاصر است. اهمیت تحقیق‌های اسلامی در اوضاع کنونی کشور و جهان با توجه به اینکه جایگاه هر ملتی در عرصه بین‌المللی به‌وسیله فعالیت‌های علمی مشخص می‌شود، سبب شد که سنجش کمی فعالیت دانشمندان جهانی در حوزه اسلام، هدف این پژوهش قرارگیرد تا جایگاه جهان در تحقیق‌های اسلامی تعیین شود و میزان حضور علمی دانشمندان جهانی در این حوزه در صحنه جهانی مورد ارزیابی قرارگیرد؛ بنابراین با بیان نکات مهم در این زمینه و فقدان چنین پژوهشی در این خصوص، انجام پژوهشی که به تحلیل استنادی و وضعیت هم‌نویسندگی مقاله‌های حوزه اسلام و علوم قرآنی بپردازد، ضروری به‌نظر می‌رسد.

## هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل استنادی و بررسی وضعیت هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم میان سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ و ترسیم ساختار علمی این حوزه است؛ برای دستیابی به این هدف و سایر اهداف جزئی پژوهش، پاسخگویی به پرسش‌های زیر، ضروری است:

۱. نویسندگان دارای بیشترین تولیدهای علمی این حوزه در وبگاه علوم چه کسانی هستند؟
۲. آیا قاعده لونتکا توزیع نویسندگان حوزه اسلام و علوم قرآنی را تأیید می‌کند؟
۳. توزیع فراوانی نویسندگان کشورها و دانشگاه‌هایی که بیشترین همکاری علمی را در سال‌های مورد بررسی در وبگاه علوم داشته‌اند، چگونه است؟
۴. نرخ رشد سالانه تولیدهای علمی این حوزه چگونه است؟
۵. متون علمی تولیدشده حوزه در قالب چه نوع مدارکی در دسترس هستند؟
۶. ضریب مشارکت نویسندگان این حوزه در مدارک نمایه‌شده در وبگاه علوم در سال‌های مورد بررسی چه مقدار بوده است؟
۷. شبکه هم‌نویسندگی موجود میان نویسندگان این حوزه چگونه است؟
۸. توزیع فراوانی موضوعی مدارک هسته تولیدشده توسط نویسندگان این حوزه در وبگاه علوم، در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ با استفاده از قاعده برادفورد چگونه است؟
۹. آیا قاعده برادفورد، توزیع مجله‌های هسته را برای مجله‌های منتشرکننده مقاله‌های این حوزه تأیید می‌کند؟
۱۰. در ترسیم تاریخ علم و ساختار علمی مدارک علمی تولیدشده در بازه زمانی مورد بررسی، خوشه‌های مهم کدام‌اند؟ و موضوع‌های آنها چیست؟

### فرضیه‌های پژوهش

۱. میان میزان مشارکت پژوهشگران این حوزه و میزان استنادهای دریافتی آنان، رابطه آماری معناداری وجود دارد.
۲. میان میزان مشارکت پژوهشگران این حوزه و میزان تولیدهای علمی آنان، رابطه آماری معناداری وجود دارد.

### پیشینه‌های پژوهش

در جستجو‌هایی که پژوهشگران انجام داده‌اند، نشان داده شده که پژوهش‌هایی متعدد در زمینه علم‌سنجی و بررسی تولیدهای علمی در حوزه‌های گوناگون صورت گرفته‌اند، اما تنها دو پژوهش در این زمینه به موضوع اسلام پرداخته‌اند که در زیر به این دو پژوهش اشاره شده، به تعدادی از پیشینه‌های انجام شده در سایر حوزه‌ها نیز به طور مختصر اشاره می‌شود.

کریمی (۱۳۸۹)، پژوهشی را با عنوان «بررسی انتشارات علمی تولیدشده در حوزه اسلام» در وبگاه علوم انجام داد و نشان داد که در مجموع، ۹۳ کشور در نگارش مدارک حوزه موضوعی اسلام در سطح جهانی نقش داشته‌اند و از میان آنها، کشورهای ایالات متحده آمریکا، انگلستان و کانادا، در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند؛ همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که ۵۳ درصد از عناوین منتشرشده در قالب نقد کتاب بوده‌اند و پس از آنها، مقالات با ۳۷/۶ درصد قرار داشته‌اند.

منصوری و عصاره (۱۳۸۸)، پژوهشی را با عنوان «کشورهای پیشرو علمی جهان اسلام در وبگاه

علوم» انجام دادند که این پژوهش به بررسی تولیدهای علمی کشورهای اسلامی در وبگاه علوم در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ پرداخت؛ جامعه مورد بررسی این پژوهش، تعداد چهارده کشور از میان ۵۸ کشور جهان اسلام است که در زمره فعال‌ترین کشورهای جهان اسلام بوده‌اند. از مجموع ۶۶۳۶۲۹ مدرک موجود در وبگاه علوم که کشورهای اسلامی در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ منتشر کرده‌اند، سهم پانزده کشور مورد بررسی ۲۰۲۲۶۹ (۸۲/۲ درصد) بود. تحلیل داده‌ها نشان دادند که کشورهای اسلامی مورد بررسی به‌طور میانگین در انتشار آثار خود، دارای رشد صعودی بوده‌اند و پیش‌تاز آنها کشور ایران است.

بررسی نقشه ده نویسنده برتر کشورهای مورد بررسی، نشان‌دهنده آن است که نویسندگان کشور ایران در حوزه شیمی، بیشترین استناد را از نویسندگان کشورهای اسلامی دریافت کرده‌اند و در گستره جهانی نیز، کشور لبنان در حوزه ایمنی‌شناسی، بیشترین استناد را دریافت کرده‌است.

فتاحی، دانش و سهیلی (۱۳۹۰) به پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت جهانی تولیدات علمی دانشگاه فردوسی مشهد در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در وبگاه علوم با هدف ترسیم نقشه علم این دانشگاه» پرداختند؛ طبق بررسی ایشان، پژوهشگران این دانشگاه، موفق شدند، ۲۳۱۸ مدرک نمایه‌شده را در وبگاه علوم منتشر کنند. قاعده لوتکا و قاعده برادفورد مورد تأیید قرار گرفت. نرخ \$ متوسط رشد، برابر با ۳۴/۲ درصد بوده‌است. تحلیل استنادی مدرک‌های مورد بررسی نشان داد که میان تعداد نویسندگان با تعداد استنادهای دریافتی و میزان مشارکت یک نویسنده با تعداد مدرک‌های منتشر شده توسط او، رابطه مثبت وجود دارد؛ در پایان، ساختار علمی این دانشگاه بر پایه میزان استنادهای جهانی با استفاده از نرم‌افزار هیست‌سایت ترسیم و تحلیل شده و از نه (۹) خوشه موضوعی حکایت دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که با استفاده از روش‌های علم‌سنجی به تحلیل استنادی و وضعیت هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی می‌پردازد، جامعه آماری پژوهش حاضر، تمام مدارک منتشر شده در بازه زمانی مورد بررسی، یعنی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ در وبگاه علوم است. داده‌های کتاب‌شناختی به‌صورت مستقیم از پایگاه تامسون روترز<sup>۱</sup> و با کلیدواژه‌های اسلام و قرآن<sup>۲</sup> در فیله‌های موضوع و عنوان هر یک به‌صورت جدا (اسلام «موضوع» و «عنوان»، قرآن «موضوع» و «عنوان») استخراج شدند و بدون اینکه از لحاظ زمانی، محدود شوند داده‌هایی که گرفته شدند، سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ را دربرگرفتند. نتیجه جستجوی ۱۰ اسفند ماه ۱۳۹۱، تعداد ۴۵۳۵ پیشینه بازیابی شده را ارائه داد که به‌عنوان جامعه پژوهش، انتخاب و تجزیه و تحلیل شدند.

به‌منظور ترسیم ساختار علمی حوزه اسلام و علوم قرآنی، همه پیشینه‌ها به نرم‌افزار هیست‌سایت وارد شدند؛ این نرم‌افزار، نمایش نسبی پیوندهای استنادی مربوط به مجموعه کتاب‌شناختی و آثار را ارائه می‌دهد؛ بنابراین، فرد می‌تواند پیوندهای واسطه مربوط به میزان استناد به آثار را در زمان اخیر مشاهده کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، پیش‌فرض این نرم‌افزار، تعیین سی مدرک تأثیرگذار در پایگاه

1. Thomson Reuters

2. Islam & Quran

مورد مطالعه در سطح استنادهای محلی<sup>۱</sup> (در مجموعه بازیابی شده توسط کاربر) و استنادهای جهانی<sup>۲</sup> (در وبگاه علوم) است (گارفیلد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، نقل در سهیلی، ۱۳۹۰: ۸۶۲)؛ اما بسته به حوزه موضوعی، دوره مورد بررسی و تعداد پیوندهای دریافتی، گاهی سی مدرک برای ترسیم نقشه، کافی نیستند؛ در نتیجه، پژوهشگر، تعداد مدارک مهم در محدوده مورد بررسی را کم یا زیادی کند تا ترسیمی مناسب‌تر به دست آورد؛ بنابراین، انتخاب تعداد مدارک کمتر، ممکن است به ازدست‌دادن مدارک با استناد متوسط منجر شود و انتخاب تعداد مدارک بیشتر هم ممکن است به ورود مدارکی با استناد کمتر بینجامد و کیفیت نقشه را تنزل دهد.

لوتکا برای دستیابی به انگاره تولید مؤلفان در یک حوزه علمی، تعداد مدارکی را که یک فرد منتشر می‌کند، مورد توجه قرارداد و دریافت، میان تعداد نوشته‌ها و تعداد افرادی که نوشته‌ها را به وجود می‌آورند، نوعی رابطه معکوس وجود دارد. وی دریافت که تعداد بسیاری از افراد، تعداد کمی نوشته تولید می‌کنند. قانون لوتکا در فرمول زیر خلاصه شده است:

$$g(x) = kx - b \quad k > 0 \quad b > 1 \quad 1 \leq x \leq X_{max}$$

در این فرمول،  $g(x)$ ، نمایانگر این احتمال است که نویسنده  $x$  متن در موضوع مشخص تولید کند و  $X_{max}$ ، نمایانگر بیشترین تعداد ( $x$ ) متن تولید شده توسط یک فرد است؛  $k$  و  $b$  مقادیری هستند که باید تخمین زده شوند؛ هنگام نمایش این قاعده روی نمودار، به شکل حرف ز انگلیسی برعکس است (دیانی، ۱۳۷۹: ۲۵۴). ضریب مشارکت نویسندگان حوزه علوم قرآنی مطابق با فرمول زیر محاسبه شد:

$$CC = 1 - \left\{ \sum_{j=1}^k \left( \frac{1}{j} \right) \times \frac{f_j}{N} \right\}$$

CC =

در این فرمول  $f_j$  = تعداد مقاله‌های تألیفی دارای  $j$  نویسنده.

$j$  = مقاله‌های تألیف شده (یک نویسنده، دو نویسنده و ...).

$N$  = تعداد کل مقاله‌های تألیفی منتشر شده و  $k$  = بیشترین تعداد نویسنده در یک مقاله است (سهیلی و عصاره، ۱۳۸۸: ۱۰۲). برای محاسبه متوسط نرخ رشد سالانه تولیدهای علمی این حوزه، طی سال‌های مورد بررسی از میانگین هندسی به صورت رابطه (۳) استفاده شده است؛ در این رابطه، مقدار  $G$ ، نرخ رشد کلی و مقدار  $G'$ ، نرخ رشد طی هر یک از سال‌های مورد مطالعه بوده که مقدار آن نیز با توجه به رابطه (۲) قابل محاسبه است:

$$(1) G = \sqrt[n]{G'_1 \times G'_2 \times G'_3 \dots G'_n}$$

$$(2) G' = \frac{y_t - y_{t-1}}{y_{t-1}}$$

1. Local Citation Score (LCS)
2. Global Citation Score (GCS)
3. Garfield

$$(3)G' = \frac{y_t - y_{t-1}}{y_t - 1} + 1$$

در روابط بالا، مقدار  $y_t$  تعداد مقاله‌ها در هر سال است (سهیلی و عصاره، ۱۳۸۸: ۹۸ و ۹۹). در پژوهش حاضر، مدارک مهم براساس تعداد استنادهای محلی و جهانی با دست‌کم ۴۵۰ پیوند یا مدرک (۱۰ درصد از کل مدارک) در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ مشخص شدند. شبکه هم‌نویسندگی هم با استفاده از نرم‌افزار کو اوثر<sup>۱</sup> و یو. سی. نت<sup>۲</sup> و بسته مکمل آن، نت‌دراو<sup>۳</sup> تجزیه و تحلیل شد.

### یافته‌های پژوهش

#### پرسش ۱. نویسندگان دارای بیشترین تولیدهای علمی این حوزه در وبگاه علوم چه کسانی هستند؟

تعداد ۴۷۷۸ نویسنده در نگارش مقالات این حوزه سهم داشته‌اند که از این میان، بیشترین مدارک از آن براون<sup>۴</sup> با ۲۱ مدرک و حدود ۰/۴۳ درصد (از کل مدارک) بوده که رتبه نخست را داراست و پس از او، کواندت<sup>۵</sup> با هجده مدرک و حدود ۰/۳۷ درصد (از کل مدارک)، مقام دوم را دارد و مقام سوم از آن هفندر<sup>۶</sup> با شانزده مدرک و حدود ۰/۱۶ درصد است که هر سه نویسنده از کشور آمریکا هستند؛ ارجمند با هفت مدرک و کیا و رحیمی با پنج مدرک از ایران بوده‌اند؛ اسامی سایر نویسندگان برتر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اسامی ده نویسنده برتر حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

ردیف	نام نویسندگان	تعداد مدارک	نام کشور	نام دانشگاه
۱	براون	۲۱	آمریکا	کمبریج
۲	کواندت	۱۸	آمریکا	کالیفرنیا
۳	هفندر	۱۶	آمریکا	بوستون
۴	کولینز	۱۵	آمریکا	کتابخانه کنگره
۵	ابو خلیل	۱۱	آمریکا	کالیفرنیا
۶	افشار	۱۱	انگلستان	یورک
۷	باون	۱۱	آمریکا	واشنگتن
۸	هاردی	۱۱	انگلستان	-
۹	هاینس	۱۱	انگلستان	گویلدهال (عمارت شهرداری لندن)
۱۰	تورنر	۱۱	انگلستان	کمبریج

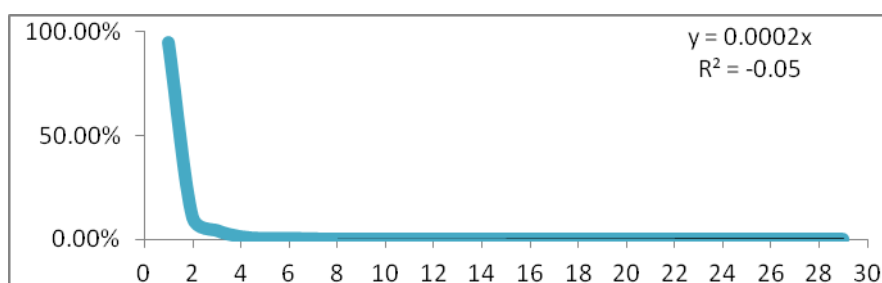
1. Co-author
2. Ucinet
3. NetDraw
4. Brown
5. Quandt
6. Hefner

## پرسش ۲. آیا قاعده لوتکا، توزیع نویسندگان حوزه اسلام و علوم قرآنی را تأیید می‌کند؟

تجزیه و تحلیل توزیع مدارک این حوزه در وبگاه علوم نشان داد که توزیع آنها از قاعده لوتکا تبعیت می‌کند؛ این توزیع در نمودار ۱ و جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. توزیع لوتکا در خصوص پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

ردیف	یادداشت تنظیم	b	k	تعداد مقاله‌ها (x)	تعداد نویسندگان g(x)
۱	۷۶۰	۷۶۰	۱/۳۵	۱۵۲۲	۷۶۰
۲	۱۲۶۳/۶۵	۷۶۰	۱/۳۵	۱۴۹۹	۱۹۹۸
۳	۱۲۸۳/۹	۷۶۰	۱/۳۵	۱۵۱۴	۲۰۲۰
جمع	-	-	-	۴۵۳۵	۴۷۷۸



نمودار ۱. توزیع لوتکا در خصوص نویسندگان حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

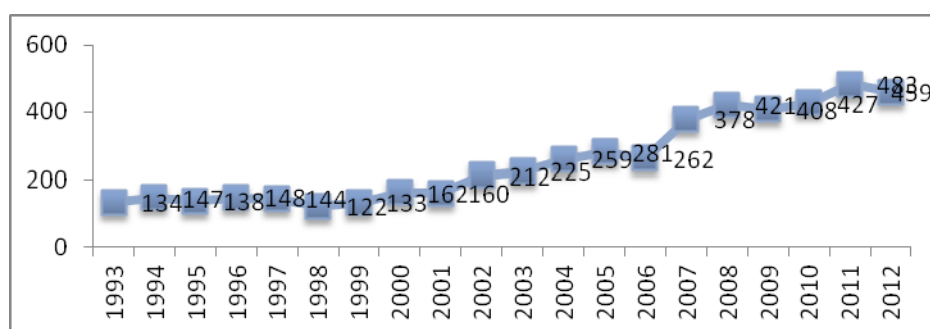
## پرسش ۳. توزیع نویسندگان کشورها و دانشگاه‌هایی که بیشترین همکاری علمی را در سال‌های مورد بررسی در وبگاه علوم داشته‌اند، چگونه است؟

کشورهایی که در نگارش مدارک همکاری داشته‌اند، ۵۳ کشورند که کشور انگلستان با ۶۳۳ مدرک، ترکیه با ۱۹۱ مدرک و آلمان با ۱۷۳ مدرک، رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و کشور ایران با ۵۳ مدرک در رتبه یازدهم قرار دارد. نکته قابل توجه، این است که اسرائیل با صد مدرک در رتبه هشتم و بالاتر از ایران و سایر کشورهای اسلامی قرار گرفته است. سه کشور نخست درکل، ۲۱/۹۸ درصد مدارک را تولید کرده‌اند. پانزده کشور اسلامی در این حوزه حضور داشته‌اند که با هم، ۵۴۹ مدرک را به نگارش درآورده‌اند که ۱۲ درصد از کل مدارک را شامل می‌شود.

از میان ۱۷۱۲ دانشگاه یا سازمان، دانشگاه لندن با ۱۶۰ مدرک و دانشگاه کالیفرنیا با ۱۲۳ مدرک و دانشگاه آکسفورد با ۵۲ مدرک، رتبه‌های اول تا سوم را دارند که در مجموع با هم ۳۳۵ مدرک، یعنی ۷/۳۸ درصد از کل مدارک را تولید کرده‌اند. دانشگاه علوم پزشکی تهران با پانزده مدرک در رتبه ۷۶ قرار دارد.

## پرسش ۴. نرخ رشد سالانه تولیدهای علمی این حوزه چگونه است؟

تولیدهای علمی حوزه اسلام و علوم قرآنی، دارای نرخ رشدی برابر ۶/۴ درصد است. همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، کمترین رشد و تولید اطلاعات در سال ۱۹۹۸ و بیشترین رشد و تولید در سال ۲۰۱۱ است.



نمودار ۲. روند رشد و توزیع فراوانی مدارک منتشرشده توسط نویسندگان حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

### پرسش ۵. متون علمی تولیدشده در این حوزه در قالب چه مدارکی در دسترس هستند؟

کل تولیدهای علمی در قالب هفده نوع مدرک منتشرشده‌اند که از آن‌میان، مقاله در رتبه نخست قرار گرفته‌است؛ رتبه دوم را نقد کتاب و رتبه سوم را مجموعه مقاله‌های همایش‌ها کسب کرده‌اند؛ کل این سه نوع مدرک، ۹۱ درصد از کل انتشارات را به خود اختصاص داده‌اند.

### پرسش ۶. ضریب مشارکت نویسندگان این حوزه در مدارک نمایه‌شده در وبگاه علوم در سال‌های مورد بررسی چه مقدار بوده‌است؟

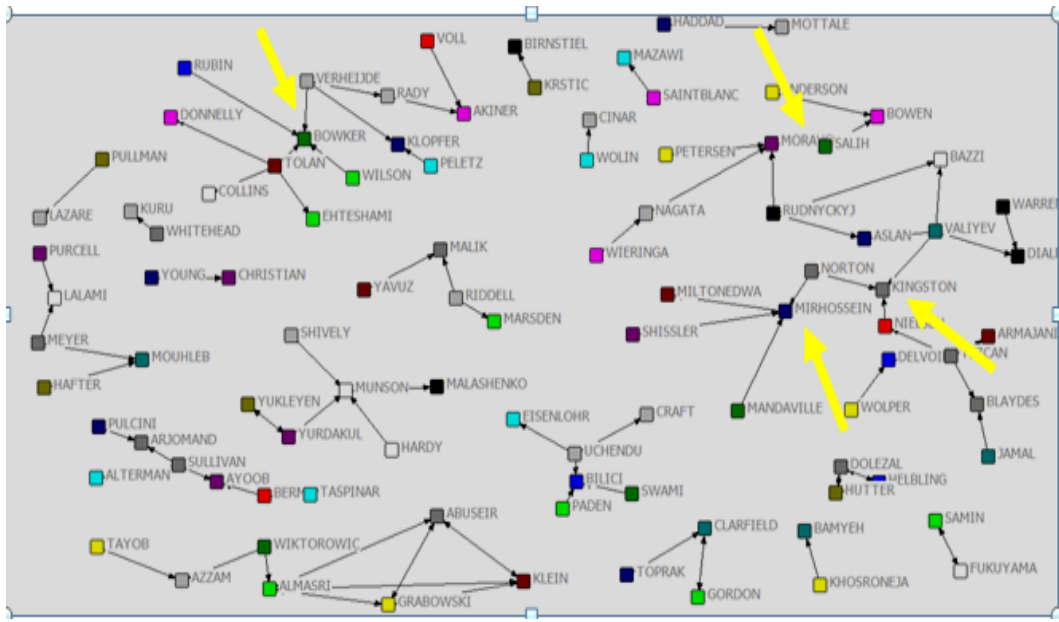
ابتدا مدارک منتشرشده در این حوزه براساس تعداد نویسندگانشان طبقه‌بندی شدند؛ سپس به جای فرمول، اعداد مورد نظر قرار گرفتند، همکاری گروهی، عدد ۳۳۵ درصد (نسبت به عدد ۱) است که ضریب همکاری ضعیفی را نمایان می‌سازد.

### پرسش ۷. شبکه هم‌نویسندگی موجود میان نویسندگان این حوزه چگونه است؟

در این شبکه، مرکزیت افراد براساس سنجه مرکزیت رتبه است؛ شبکه هم‌نویسندگی در این حوزه از نوزده مؤلفه تشکیل شده‌است که دو مؤلفه از همه بزرگ‌ترند و اشخاص مهم در این شبکه با فلش، مشخص شده‌اند. برای مشخص شدن موضوع هر مؤلفه، آثار منتشرشده هر گره عضو شبکه در این پایگاه با مشاوره افراد متخصص تحلیل شد تا موضوع اصلی آن گره، مشخص شود؛ در صورتی که با این روش، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد، با مراجعه به وبسایت شخصی افراد (در صورت وجود وبسایت)، علایق مطالعاتی فرد را مشخص کرده، با مشاوره متخصص، موضوع هر مؤلفه تعیین می‌شد؛ مؤلفه اول با موضوع اسلام و استبداد، بزرگ‌تر و مهم‌تر از سایر مؤلفه‌هاست و ۲۶ جزء دارد، کینگستون<sup>۱</sup> نقش نویسنده مرکزی را داشته اشخاص مهم دیگر در این مؤلفه مورائوسکی<sup>۲</sup> و میرحسین<sup>۳</sup> هستند؛ مؤلفه دوم این شبکه از سیزده جزء تشکیل شده‌است که دومین مؤلفه بزرگ این شبکه محسوب می‌شود؛ در این مؤلفه، نقش مرکزی را باوکر<sup>۴</sup> داراست، موضوع این مؤلفه، اسلام و دموکراسی است.

1. Kingston  
2. Moravcsik  
3. Mirhossein  
4. Bowker





تصویر ۱. شبکه هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

**پرسش ۸. توزیع فراوانی موضوعی مدارک هسته تولیدشده توسط نویسندگان این حوزه در وبگاه علوم در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ با استفاده از قاعده برادفورد چگونه است؟**

این نکته قابل‌اشاره است که در اینجا نویسندگان مدرک، شاخص بوده و نشان‌دهنده موضوع هستند و قاعده برادفورد، توزیع موضوعی مدارک را نشان می‌دهد؛ بنابراین باید گفت در این پژوهش از نویسندگان به‌عنوان موضوع استفاده شده است (سهیلی، ۱۳۹۰: ۸۶۵).

با نگاهی به اعداد به‌دست‌آمده از قاعده برادفورد در جدول ۳ با اعداد موجود در ردیف تعداد مدارک تولیدشده می‌توان دریافت که این اعداد با هم اختلاف دارند و در واقع، بیان‌کننده این نکته است که توزیع موضوعی این مدارک از قاعده برادفورد تبعیت نمی‌کند و این قاعده در خصوص نویسندگان این حوزه، تأیید نمی‌شود.

جدول ۳. توزیع مشارکت‌کنندگان حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

ردیف	تعداد نویسندگان	تعداد مقاله‌ها	K	یادداشت تنظیم
۱	۷۶۰	۲۰۲۹	-	$1 * a (a = 760)$
۲	۱۹۹۸	۱۹۹۸	۱/۹۶	$1 * a * k (k = 1/96) = 1489/6$
۳	۲۰۲۰	۲۰۲۰	۱/۹۶	$1 * a * k^2 = 2919/61$
جمع	۴۷۷۸	۴۵۳۵	-	-

**پرسش ۹. آیا قاعده برادفورد، توزیع مجله‌های هسته را برای مجله‌های منتشرکننده مدارک این حوزه تأیید می‌کند؟**

طبق قاعده برادفورد، مجله‌ها به سه دسته تقسیم شدند که در جدول ۴ مشاهده می‌شوند. از مقایسه اعداد به‌دست‌آمده از قاعده برادفورد با اعداد ردیف تعداد مدارک منتشرشده می‌توان دریافت که این اعداد

دوفصلنامه دانشکاه شاهد / دوره ۱ / شماره ۱ / بهار و تابستان ۱۳۹۴ (پیاپی ۱) پژوهش‌نامه علم‌سنجی

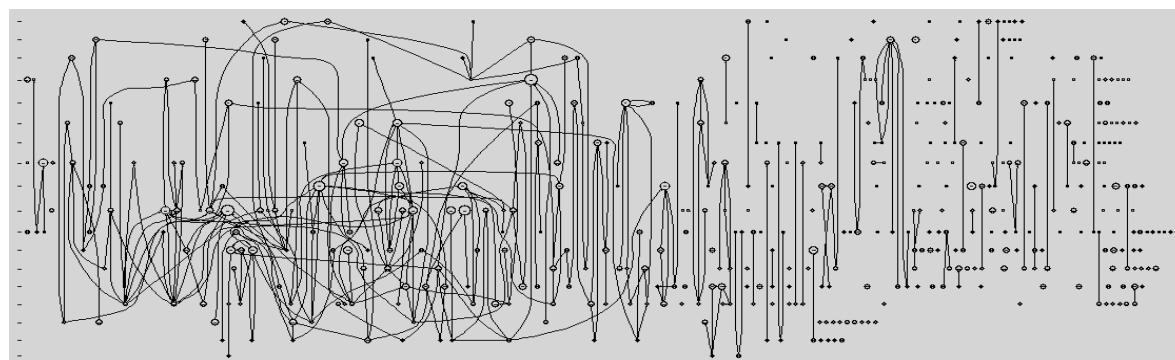
با اختلافی اندک به طور تقریبی با هم برابرند که این نشان می‌دهد این ۲۱ مجله، جزو مجله‌های هسته هستند و توزیع مجله‌های این حوزه از قاعده برادفورد تبعیت می‌کنند و این قاعده برای این مجله‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۴. توزیع قاعده برادفورد در خصوص مجله‌های حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

ردیف	تعداد مجله‌ها	تعداد مقاله‌ها	K	یادداشت تنظیم	
۱	۲۱	۱۴۹۶	-	۲۱	$1 * a (a = 21)$
۲	۱۲۳	۱۵۱۴	۸۶/۵	۱۲۳/۰۶	$1 * a * k (k = 62/6) = 123/0.6$
۳	۸۷۳	۱۵۲۵	۸۶/۵	۷۲۱/۱۴	$1 * a * k^2 = 721/14$
جمع	۱۰۱۷	۴۵۳۵	-	-	-

**پرسش ۱۰. در ترسیم تاریخ علم و ساختار علمی مدارک علمی تولیدشده در بازه زمانی مورد بررسی، خوشه‌های مهم کدام‌اند؟ و موضوع‌های آنها چیست؟**

برای ترسیم تاریخ‌نگاری این حوزه با استفاده از نرم‌افزار هیست‌سایت، ۴۵۰ مدرک برتر در ترسیم تاریخ علم این حوزه نقش داشته‌اند که این ۴۵۰ مدرک پراستناد از لحاظ شاخص‌های امتیاز استناد جهانی و محلی بررسی شدند و نقشه‌های آنان به تفکیک، برش خورده، در زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. کل خوشه با شاخص استناد محلی (LCS)، دارای ۴۵۰ گره و ۲۸۹ پیوند است که فقط مهم‌ترین خوشه توضیح داده خواهد شد.

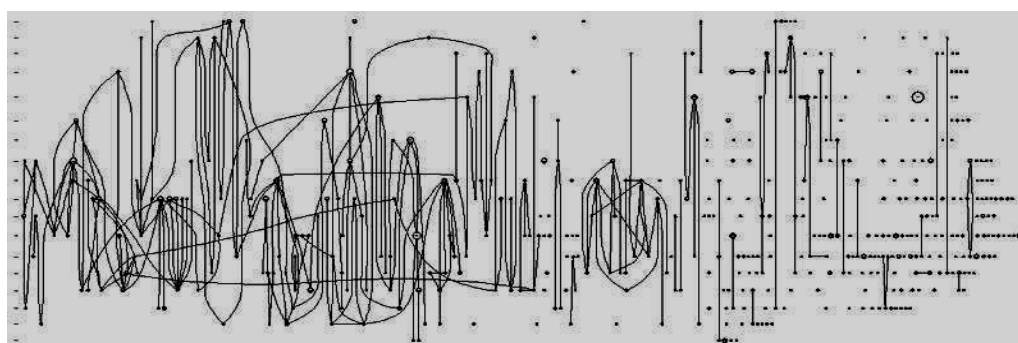
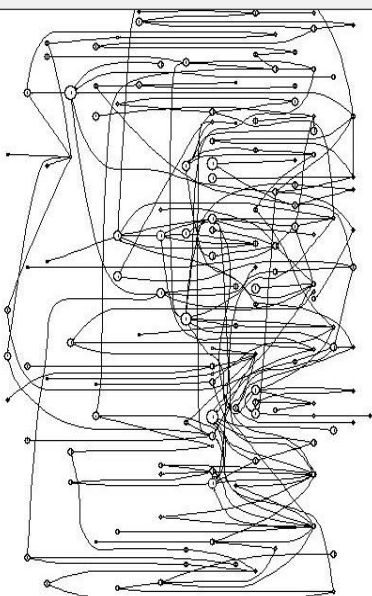


تصویر ۲. تاریخ نگاشت ۴۵۰ نویسنده حوزه اسلام و علوم قرآنی بر اساس شاخص استناد محلی (LCS)

بزرگ‌ترین خوشه براساس LCS، خوشه دوم است، این خوشه ۱۳۹ مدرک دارد و سطح همکاری این خوشه در سطح ملی و بین‌المللی است موضوع این خوشه اسلام در فضای عمومی است. برنر در این خوشه، مهم‌ترین شخص است با شماره مدرک ۵۳۹ و موفق شده است، بیست استناد را دریافت کند (جدول ۵).

جدول ۵. مشخصات مدارک برتر خوشه دوم LCS

شماره مدرک	نویسنده / عنوان / منبع	LCS	GCS
۱۴۳۳	Fish MS, Islam and authoritarianism WORLD POLITICS. 2002 OCT; 55 (1): 4-+	۱۹	۵۸
۱۲۰۹	Hirschkind C, The ethics of listening: cassette-sermonaudition in contemporary Egypt AMERICAN ETHNOLOGIST. 2001 AUG; 28 (3): 623-649	۱۶	۶۲
۱۲۹۶	Gole N, Islam in public: New visibilities and new imaginaries PUBLIC CULTURE. 2002 WIN; 14 (1): 173-190	۱۸	۵۹
۵۳۹	Brenner S Reconstructing self and society: Javanese Muslim women and "the veil" AMERICAN ETHNOLOGIST. 1996 NOV; 23 (4): 673-697	۲۰	۷۹



تصویر ۳. تاریخ نگاشت ۴۵۰ نویسنده حوزه اسلام و علوم قرآنی بر اساس شاخص استناد جهانی (GCS)

خوشه GCS در کل از ۴۵۰ مدرک و ۲۳۷ پیوند تشکیل شده است. خوشه اول بر اساس GCS، از ۱۳۴ مدرک تشکیل شده است و موضوع آن هم سیاسی - اختلاط فرهنگی است؛ در این خوشه، مدرک ۱۸۹۶ به کسب ۱۳۹ استناد توفیق یافته، دامنه همکاری از نوع ملی و بین‌المللی است و رابطه آنها از نوع همکاری است (جدول ۶).

خوشه دوم GCS، از هفده مدرک تشکیل شده و موضوع آن اخلاق پزشکی است و دامنه همکاری آن در سطح بین‌المللی و رابطه آن از نوع همکاری است؛ در این خوشه، مدرک شماره ۱۱۴۵ به کسب ۴۳ استناد توفیق یافته است.

خوشه سوم GCS، از پنج مدرک تشکیل شده و موضوع آن، مذهب و قومیت و دامنه همکاری آن در سطح بین‌المللی بوده، رابطه آن از نوع همکاری است؛ در این خوشه، جاکویسون، نویسنده مدرک شماره ۶۱۰ به کسب ۶۴ استناد، یعنی بالاترین استناد این خوشه توفیق یافته است؛ اطلاعات کتاب‌شناختی مدارک این خوشه در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

جدول ۶. مشخصات مدارک برتر خوشه اول GCS

شماره مدرک	نویسنده / عنوان / منبع	LCS	GCS
۱۰۶۱	Russett BM, Oneal JR, Cox M Clash of civilizations, or realism and liberalism deja vu? Some evidence JOURNAL OF PEACE RESEARCH. 2000 SEP; 37 (5): 583-608	۱۲	۸۵
۱۴۳۳	Fish MS .Islam and authoritarianism WORLD POLITICS. 2002 OCT; 55 (1): 4-+	۱۹	۵۸
۱۷۹۶	Joppke C, The retreat of multiculturalism in the liberal state: theory and policy BRITISH JOURNAL OF SOCIOLOGY. 2004 JUN; 55 (2): 237-257	۵	۱۳۹
۸۴۸	Zolberg AR, Woon LL Why Islam is like Spanish: Cultural incorpora- tion in Europe and the United States POLITICS & SOCIETY. 1999 MAR; 27 (1): 5- 38	۸	۹۸
۵۳۹	Brenner S, Reconstructing self and society: Jap- anese Muslim women and "the veil" AMERICAN ETHNOLOGIST. 1996 NOV; 23 (4): 673-69	۲۰	۷۹

جدول ۷. مشخصات مدارک برتر خوشه سوم GCS

شماره مدرک	نویسنده / عنوان / منبع	LCS	GCS
۱۱۴۵	Daar AS, Al Khitamy AB Bioethics for clinicians: 21. Islamic bioethics CANADIAN MEDICAL ASSOCIATION JOURNAL. 2001 JAN 9; 164 (1): 60-63	۱۰	۴۳
۱۱۰۰	Rassool GH The crescent and Islam: healing, nursing and the spiri- tual dimension. Some considerations towards an under- standing of the Islamic perspectives on caring JOURNAL OF ADVANCED NURSING. 2000 DEC; 32 (6): 1476-14	۱۱	۳۴
۱۱۲۸	Gatrad AR, Sheikh A Medical ethics and Islam: principles and practice ARCHIVES OF DISEASE IN CHILDHOOD. 2001 JAN; 84 (1): 72-75	۵	۲۶

در بررسی استنادهای جهانی، مارکوس بروکمن و همکاران، در مقاله خود با موضوع پزشکی، با دامنه همکاری در سطح بین‌المللی و رابطه‌ای که میان این نویسندگان وجود دارد، از نوع همکاری است؛ این

1. Marcus A. J. Broekman & et al

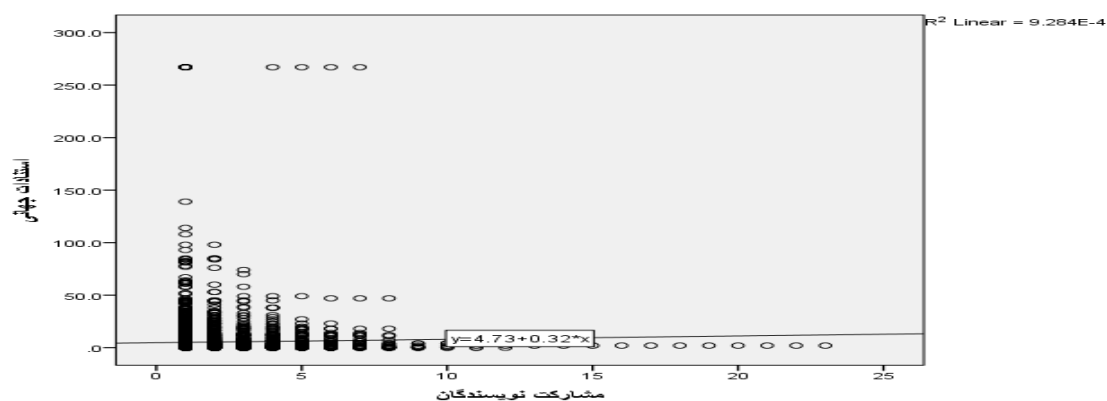
مدرک، شماره ۶۰۶ را در استنادهای جهانی دارد که به کسب ۲۶۷ استناد جهانی توفیق یافته است که این بالاترین استناد در هر نه (۹) خوشه استنادهای جهانی و محلی است؛ با این حال، استناد محلی کسب نکرده است، بدین دلیل که این مدرک، بالاترین استناد را کسب کرده ولی خوشه تشکیل نداده است بررسی‌ها نشان دادند که سبب آن، میان‌رشته‌ای بودن این مدرک است که همین علت، باعث عدم تشکیل خوشه شده است.

فرضیه ۱. میان میزان مشارکت پژوهشگران این حوزه و میزان استنادهای دریافتی آنان، رابطه آماری معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، فرضیه پژوهش را تأیید می‌کنند (جدول ۸)؛ بدین معنی که هرچه تعداد نویسندگانی یک مدرک، بیشتر باشد تعداد استنادهای بیشتری را دریافت خواهد کرد؛ برای اثبات این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۸. آزمون ضریب همبستگی پیرسون براساس میزان رابطه مشارکت محققان و استنادهای آنها

متغیر ملاک	نوع آزمون	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان مشارکت	همبستگی پیرسون	میزان استناد	۰/۶۸	$\leq ۰/۰۰۳$



نمودار ۳. میزان مشارکت محققان حوزه اسلام و علوم قرآنی و استنادهای آنها در وبگاه علوم

با توجه به آزمون بالا، چون مقدار سطح معناداری در جدول پیرسون برابر با  $۰/۰۰۳$  بوده، این مقدار از سطح معناداری  $۰/۰۵$  کوچک‌تر است، پس فرضیه بالا تأیید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر، مثبت بوده، برابر با  $۰/۶۸$  است که نشان می‌دهد این دو متغیر، دارای شدت همبستگی بسیار مناسبی هستند و همچنین با توجه به شیب خط رگرسیون در نمودار پراکنندگی نیز می‌توان چنین استنباط کرد که هرچه میزان نویسندگان یک مدرک بیشتر باشد، تعداد استنادهایی بیشتر دریافت خواهد کرد (نمودار ۳).

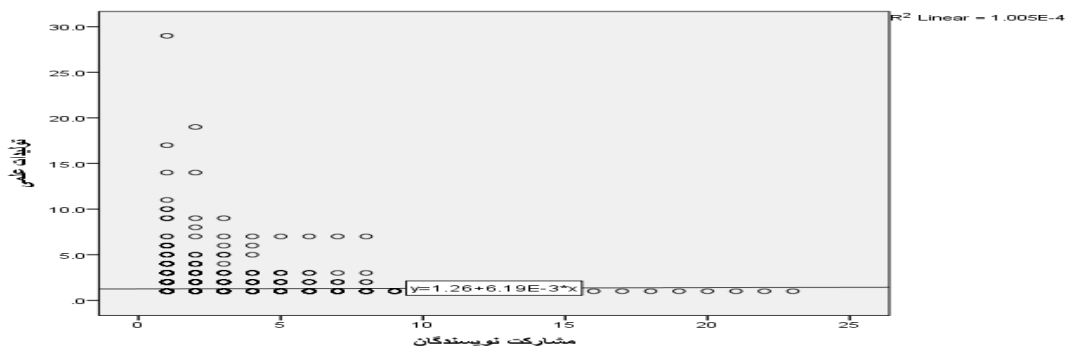
فرضیه ۲. میان میزان مشارکت پژوهشگران این حوزه و میزان تولیدهای علمی آنان، رابطه آماری معناداری وجود دارد.

میان میزان مشارکت محققان حوزه اسلام و علوم قرآنی و میزان تولیدهای علمی آنان، رابطه آماری معناداری وجود دارد؛ به این معنی که هرچه مشارکت و همکاری میان نویسندگان حوزه بیشتر بوده است،

تعداد تولیدهای علمی آنان نیز افزایش یافته است؛ نتایج همبستگی میان این دو متغیر در جدول ۹ و نمودار ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۹. آزمون ضریب همبستگی پیرسون براساس میزان رابطه مشارکت محققان و تولیدهای علمی آنها

متغیر ملاک	نوع آزمون	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان مشارکت	همبستگی پیرسون	تولیدات علمی	۰/۴۸	$0.01 \leq$



نمودار ۴. رابطه میزان مشارکت محققان و تولیدهای علمی حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم

با توجه به آزمون بالا چون مقدار سطح معناداری در جدول پیرسون برابر با ۰/۰۱ بوده، این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک تر است، پس فرضیه بالا تأیید می شود. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر، مثبت بوده، برابر با ۰/۴۸ است که نشان می دهد این دو متغیر، دارای شدت همبستگی مناسبی هستند و همچنین با توجه به شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی نیز می توان چنین استنباط کرد که: هرچه میزان مشارکت نویسندگان افزایش یابد بر میزان تولیدهای علمی افزوده خواهد شد.

### بحث و نتیجه گیری

یافته های [این] پژوهش در خصوص پرسش اول نشان دادند که توزیع نویسندگان حوزه علوم قرآنی از قاعده لوتکا پیروی می کند؛ از این رو، دستاوردهای این پژوهش با یافته های پژوهش منصوری و عصاره (۱۳۸۸) در پیوند با پژوهشی با عنوان «کشورهای پیشرو علمی جهان اسلام در وبگاه علوم»؛ [یافته های پژوهش] عصاره، نوروزی چاکلی و کشوری (۱۳۸۹) در خصوص هم‌نویسندگی پژوهشگران ایران در نمایه استنادی علوم، علوم اجتماعی، هنر و علوم انسانی در وبگاه علوم؛ سهیلی و همکاران (۱۳۸۹) در خصوص قانون باروری پدیدآور درباره تولیدهای علمی محققان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان همخوانی دارد.

چیانگ، چو و یانگ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به تعیین مجله های هسته به کمک قانون برادفورد و همچنین پیاده سازی قانون لوتکا بر حوزه پذیرش فناوری پرداختند؛ لان، هانگ چو و مین (۲۰۱۰) تولیدهای علمی را در حوزه نظریه عمل منطقی و مدل پذیرش فناوری در دو پایگاه SSCI و SCI-Expanded بررسی کردند که با این پژوهش همسویی دارند، ولی پژوهش منصوری، عصاره و حیدری

(۱۳۹۱) که تولیدهای علمی پژوهشگران زمین‌شناسی براساس قوانین لوتکا و برادفورد [را بررسی کردند] و پژوهش کوسیلیو، سرنکو و تورل (۲۰۱۱) که به کشف و شناسایی رشته‌های سیستم مدیریت اطلاعات و اجرای قانون لوتکا پرداختند، قانون مورد تأیید قرارنگرفت و با نتیجه پژوهش حاضر، همسو نیست. با بررسی پژوهش‌های پیش‌گفته این‌گونه می‌توان برداشت کرد که مهم‌ترین دلیل‌های این پدیده، تنازع‌بقا در محیط‌های دانشگاهی و همچنین پرتولید بودن برخی از حوزه‌ها بوده که به صدق کردن قاعده لوتکا در چنین پژوهش‌هایی انجامیده و همواره این‌گونه است که بخشی کوچک از پژوهشگران، تعدادی بسیار از آثار پژوهشی را تولید می‌کنند و برعکس.

نتایج، همچنین، بیانگر این نکته‌اند که در مجموع در همه این پژوهش‌ها تعداد کمی از مؤسسات یا دانشگاه‌ها و کشورها، بیشترین مدارک را تولید کرده‌اند که بیشتر آنها هم از کشورهای غیراسلامی‌اند. در اینجا باید به نقش ضعیف و کم‌رنگ کشورهای اسلامی در زمینه انتشار مدارک علمی اشاره کرد که دلیل این امر می‌تواند وضعیت اقتصادی ضعیف بعضی از کشورها و همچنین فقر فرهنگی و عدم پیشرفت سواد در این کشورها باشد؛ ضمن اینکه در بعضی کشورهای اسلامی، به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس که دارای وضعیت اقتصادی بهتری هستند، باز، شاهد عدم توسعه علمی هستیم؛ به احتمال زیاد، بخشی از این وضعیت به زبان رسمی کشورهای اسلامی، مربوط می‌شود که عربی است و این در حالی است که بیشتر مدارک منتشرشده در وبگاه علوم به زبان انگلیسی هستند.

نتایج پژوهش نشان دادند که ضریب مشارکت نویسندگان حوزه علوم قرآنی در حد پایین است (۰/۳۳۵) و این از همکاری ضعیف میان پژوهشگران این حوزه حکایت می‌کند و دلیل آن ممکن است به میان‌رشته‌ای بودن مدارک برگردد و همچنین، ناشی از پراکندگی نویسندگان در موضوع‌های مختلف باشد که همکاری ضعیفی را هم به دنبال داشته است؛ یکی دیگر از دلایل ضعیف بودن ضریب همکاری، این بود که بخش زیادی از آثار منتشرشده در این حوزه، نقد کتاب بوده است که بیشتر به صورت تنهایی به‌نگارش درآمده‌اند. در پژوهش حمدی‌پور و کوبی (۱۳۹۰)، در حوزه مدیریت اطلاعات، میانگین ضریب همکاری میان نویسندگان برابر با ۰/۲۲ بوده که همکاری ضعیفی را نشان می‌دهد. نتایج پژوهش تیو و کار (۲۰۰۴) در تحلیل استنادی مجله مورد بررسی شان نشان دادند ۶۱/۵۶ درصد، مقاله‌ها را چندین نویسنده، تهیه کرده‌اند و این امر تمایل به سوی پژوهش‌های گروهی را نشان می‌دهد.

دیگر نتایج پژوهش از این حکایت می‌کنند که این قاعده برادفورد درباره نویسندگان این حوزه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد؛ اما نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های عصاره، نوروزی چاکلی و کشوری (۱۳۸۹)؛ فتاحی، دانش و سهیلی (۱۳۹۰)؛ منصور، عصاره و حیدری (۱۳۹۱)، همسو نیست. بررسی نتایج همراه با پیشینه‌ها نشان می‌دهد که این قانون همچنان می‌تواند به‌عنوان قانونی مهم مورد استفاده قرارگیرد زیرا با وجود فناوری‌های مختلف، همچنان کاربرد خود را در بررسی مدارک هسته از دست نداده است.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان دادند که قاعده برادفورد در خصوص مجله‌های این حوزه تأیید می‌شود؛ یعنی تعداد کمی از مجله‌ها، بیشترین مدارک را منتشر کرده‌اند که در پژوهش‌های عصاره، نوروزی چاکلی و کشوری (۱۳۸۹)؛ سهیلی و همکاران (۱۳۸۹) و چیانگ، چو و یانگ (۲۰۱۰)، دیده می‌شود.

بنابراین نتیجه پژوهش حاضر با نتایج پیشینه‌های اعلام شده همسو هستند و همه از صادق بودن و مورد استفاده قرارگرفتن این قانون در همه موضوع‌ها حکایت می‌کنند؛ بنابراین، طبق نتایج به‌دست آمده، مجله‌های دسته اول جزو مجله‌های هسته این حوزه محسوب می‌شوند و می‌تواند کمکی مناسب برای مجموعه‌سازی در این حوزه باشد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند که روند رشد تولیدهای علمی در این حوزه، دارای روند رشدی ضعیف است. نتیجه پژوهش منصوری و عصاره (۱۳۸۸) نشان داد که کشورهای اسلامی مورد بررسی به‌طور میانگین، دارای رشد صعودی در انتشار آثار خود بوده‌اند و پیش‌تاز آنها کشور ایران است. در نرخ رشد ضعیف این حوزه باید گفت که کشورهای اسلامی، کانون اصلی این توجه‌اند و سرمایه‌گذاری در این زمینه برای گسترش فرهنگ اسلامی، نیازی اساسی است؛ بنابراین باید تلاشی جدی برای ارائه تولیدهای علمی و نمایه‌کردن آنها در پایگاه‌های معتبر بین‌المللی به صورت گیرد.

نتایج همچنین نشان دادند که این حوزه از لحاظ میزان استنادهای محلی و جهانی به نه (۹) خوشه مهم تقسیم شدند؛ [این] خوشه‌های مهم استنادهای محلی با موضوع‌های «پزشکی، اسلام و استبداد، خودسازی، نگرش اسلام به پژوهش و بهداشت باروری زنان در ادیان توحیدی» هستند و در استنادهای جهانی موضوع‌هایی از قبیل «اسلام و استبداد، سیاست، اختلاط فرهنگی، اخلاق پزشکی، مذهب و قومیت» را می‌توان نام برد و موضوع‌هایی متعدد در این حوزه وجود دارند که به آنها پرداخته نشده است و این، نیازمند آن است که پژوهشگران کشورهای اسلامی به این موضوع‌ها پرداخته، تلاش کنند، آثار خود را به زبان‌های بین‌المللی منتشر کنند تا بیشتر مورد استفاده و در نتیجه مورد استناد قرار گیرند.

نتایج پژوهش نشان دادند که فرضیه اول در پژوهش حاضر تأیید می‌شود؛ به این معنی که میان تعداد نویسندگان یک مقاله و تعداد استنادهای دریافتی و همچنین، میان میزان مشارکت یک نویسنده با تعداد مدرک‌های منتشر شده توسط او، رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛ هرچه نویسندگان یک مدرک بیشتر بوده، میزان استنادها به این مدرک هم به همان نسبت افزایش یافته است و این، زمانی بیشتر، مشهود است که نویسندگان یک مدرک، وابستگی‌های سازمانی مختلف داشته، یا سطح همکاری در نگارش این مقاله بین-المللی باشد و این نتیجه در دو زمینه میزان استنادهای جهانی و محلی صادق است؛ برای رسیدن به این نتایج از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

فرضیه دوم در پژوهش تأیید می‌شود؛ بدین معنی که هرچه مشارکت و همکاری نویسندگان بیشتر شده، تولیدهای آنان هم بیشتر شده است و این دو متغیر همبستگی شدیدی دارند؛ یعنی اگر افراد بتوانند توانایی‌ها و دارایی‌های فکر و معنی خود را همراه با توانایی‌های مادی خویش با پژوهشگران دیگر به اشتراک بگذارند [می‌توانند] برون‌دادهایی بیشتر منتشر کنند و در نتیجه، بهره‌وری علمی آنها افزایش می‌یابد.

اگر بخواهیم نتیجه‌گیری کلی از این پژوهش داشته باشیم، باید بگوییم که بار تولید علم در حوزه علوم اسلامی و علوم قرآنی، همانند بسیاری از حوزه‌های دیگر علوم بر عهده تعدادی معدود از نخبه علمی است و سایر اندیشمندان، کمتر در این زمینه مشارکت دارند؛ همچنین، نتایج این پژوهش بر همکاری گروهی در نگارش مقالات تأکید دارند و بیانگر آن است که هرچه افراد به سمت انتشار برون‌دادهای



مشترک بروند، بهره‌وری بیشتری داشته، در نتیجه، استنادهایی بیشتر نیز دریافت خواهند کرد. بخش زیادی از موضوع‌های حوزه اسلام مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و نیاز است که پژوهشگران این حوزه، علاوه بر حوزه‌هایی که در تحلیل خوشه‌های مهم این پژوهش مشخص شدند به سایر حوزه‌ها نیز پردازند.

## منابع

حقیقی، محمود. (۱۳۸۱). کاربرد استناد در نگارش‌های علمی. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۲(۲)، ۲۱۵-۲۳۲.

حمدی‌پور، افشین و کوبی، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی کمی و مصورسازی ساختار انتشارات علمی در حوزه مدیریت اطلاعات در پایگاه وب آو ساینس در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹. *مجله علوم و فناوری اطلاعات ایران*، ۲۸(۱)، ۳۹-۷۰.

دیانی، محمدحسین. (۱۳۷۹). *کتاب‌سنجی در مجموعه مباحث بنیانی در کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران: ده مقاله*. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.

رحیمی، ماریه و فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). همکاری علمی و تولید اطلاعات: نگاهی به مفاهیم و الگوهای رایج در تولید علمی مشترک. *فصلنامه کتاب*، ۱۸(۳)، ۲۳۵-۲۴۸.

سهیلی، فرامرز. (۱۳۹۰). ترسیم ساختار انتشارات علمی تولیدشده اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران در پایگاه وب آو ساینس. *مدیریت اطلاعات سلامت*، ۶(۸)، ۸۶۱-۸۷۱.

سهیلی، فرامرز و عصاره، فریده. (۱۳۸۸). بررسی تولیدات اعضای هیئت علمی دانشگاه رازی در نمایه استنادی علوم طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸: مطالعه موردی. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۱۶(۴)، ۸۱-۱۱۰.

سهیلی، فرامرز، عصاره، فریده و فرج‌پهلوی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). تحلیل ساختار شبکه‌های اجتماعی هم‌نویسندگی پژوهشگران علم اطلاعات. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۲۹(۱)، ۱۹۱-۲۱۰.

سهیلی، فرامرز و دیگران. (۱۳۸۹). قانون باروری پدیدآور در مورد تولیدات علمی محققان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان براساس پایگاه وب آوساینس. *مدیریت اطلاعات سلامت*، ۸(۶)، ۷۶۶-۷۷۶.

عصاره، فریده، نوروزی‌چاکلی، عبدالرضا و کشوری، مریم. (۱۳۸۹). هم‌نویسندگی پژوهشگران ایران در نمایه‌های استنادی علوم، علوم اجتماعی، هنر و علوم انسانی در پایگاه وب آوساینس در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹. *مجله علوم و فناوری اطلاعات ایران*، ۲۵(۴)، ۵۷۳-۵۹۵.

فتاحی، رحمت‌الله، دانش، فرشید و سهیلی، فرامرز. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت جهانی تولیدات علمی دانشگاه فردوسی مشهد طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ در وبگاه علوم با هدف ترسیم نقشه علم این دانشگاه. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱(۱)، ۱۷۵-۱۹۶.

- کریمی، رضا. (۱۳۸۹). بررسی انتشارات علمی تولیدشده در حوزه اسلام در وبگاه علوم در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۰. *سپهر*، ۷(۲۸)، ۱۲۸-۱۵۰.
- منصوری، علی و عصاره، فریده. (۱۳۸۸). کشورهای پیشرو علمی جهان اسلام در پایگاه وب آو ساینس. *فصلنامه کتاب*، ۲۱(۱)، ۱۴۶-۱۶۹.
- منصوری، فهیمه، عصاره، فریده و حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۱). تولیدات علمی پژوهشگران زمین‌شناسی در پایگاه وب آو ساینس براساس قوانین لوتکا و برادفورد. *فصلنامه دانش‌شناسی*، ۵(۱۷)، ۵۳-۶۰.
- Chang, S., Chou, C., & Yang, J. (2011). The literature review of technology acceptance model: A study of the bibliometrics distributions. (*PACIS 2010 Proceedings, Paper 158*). Retrieved From <http://aisel.aisnet.org/pacis2010/158>.
- Cocosla, M., Serenko, A., & Turel, O. (2011) Exploring the management information systems discipline: A scienometric study of ICIS. *PACIS and ASAC, Scientometrics*, 87(3), 1-16.
- Hsu-Hao T., & Chiang, J. K. (2010). E-commerce literature trend forecasting: A study of bibliometric methodology. (*Proceedings of the 4th International Conference on New Trends in Information Science and Service Science (NISS)*), 11-13.
- Lun, W., Han-Chou, L., & Min, Y. J. (2010). Productivity review study on TRA and TAM literature using bibliometric methodology. (*Proceedings of the 3th International Conference on Information Sciences and Interaction Sciences*), 23-25.
- Tiew', W. S., & Kaur, K. (2004). Citation analysis of Journal of National Rubber. *Malaysuan Journal of Library and Service Science*, 5 (2), 45- 56.